هو العلیم

کیفیت زیارت قبور ائمه معصومین سلام اللَه علیهم در کلام مرحوم علامه طهرانی

حضرت علامه آیة اللَه حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی

بسم اللّه الرحمن الرحيم

نگرش و توصیه‌های اخلاقی علامه طهرانی به زیارت و پیاده رفتن به مشاهد مشرفه

أبان بن تَغْلِب از امام صادق علیه السلام روایت میکند که حضرت فرمود: «**و کل اللّه بقبر الحسین علیه السلام أربعة آلاف مَلکاً شُعثاً غُبراً یبکونه إلی یوم القیمة. فمن زاره عارفاً بحقّه شَیعوه حتّی یبَلِّغوه مأمنه، و إنْ مَرَضَ عادُوه غدوةً و عَشیاً، و إذا مات شَهِدوا جنازته و استغفروا له الی یوم القیمة**؛ خداوند در اطراف قبر حسین علیه السلام چهار هزار فرشته گماشته است که همگی با موهای ژولیده و پریشان و با صورتهای خاک آلوده بر وی تا روز قیامت می‌گریند. پس کسی که او را با معرفت به حقّش زیارت کند او را بدرقه می‌کنند تا به مأمنش برسانند و اگر مریض گردد وی را هر صبح و شب عیادت کنند، و اگر بمیرد جنازه‌اش را تشییع کنند و برای او از خداوند طلب غفران نمایند تا روز قیامت.»

حکایت زیارت پیاده امام حسین علیه السلام

مرحوم علامه آیةاللّه حسینی طهرانی (ره) در کتاب شریف «روح مجرد» حکایت زیارت پیاده امام حسین علیه السلام را چنین بیان می کنند: «در میان طلّاب و فضلا و علمای نجف اشرف این قاعده برقرار است که در ایام زیارتی مخصوص حضرت مولی الکونین أبی عبد اللّه الحسین سید الشّهداء علیه و علی أبیه و امّه و جَدّه و أخیه و التِّسعةِ الطّاهرةِ مِن أبنآئِهِ صَلواتُ اللّه و سَلام ملائکتِهِ المقرَّبینَ و الانبیاءِ و المُرسَلینَ، مانند زیارت عرفه و زیارت أربعین و زیارت نیمه شعبان، پیاده از نجف اشرف به کربلای مُعلَّی مشرّف می شوند؛ یا از جادّه مستقیم بیابانی که سیزده فرسخ است، و یا از جادّه کنار شطّ فرات که هجده فرسخ است. جادّه بیابانی خشک و بی آب و علف است، ولی مسافرین زودتر می رسند و یک روزه و یا دو روزه راه را طیّ می کنند؛ ولی جادّه کنار شطّ، جادّه ماشین رو نیست، جادّه پیاده رو و مال رو است و انحراف نیز دارد ولی به عوض سر سبز و خرّم است و از زیر درخت های خرما و نخلستان ها عبور می کند، و در هر چند فرسخی یک خان و مُضیف خانه وسیع (مهمانخانه ساخته شده از حصیر متعلّق به شیوخ أعراب که در آنجا تمام واردین را بطور مجّانی هر چقدر که بمانند پذیرائی می کنند) وجود دارد که طلّاب روزها را تا به شب راه می روند و شب ها را در آنجا بیتوته می نمایند، و معمولًا سفرشان از راه آب که این راه است دو روز و یا سه روز طول می کشد.

حقیر را در مدّت اقامت هفت ساله در نجف اشرف جز دو بار توفیق تشرّف پیاده به کربلا دست نداد؛ چون مرحومه والده در قید حیات بودند، و گرچه از رفتن ممانعت نمی نمودند ولی چون حقیر در ایشان آثار اضطراب می دیدم، خودم داوطلب برای راه پیاده نمی شدم. تا یکی دو سال مانده به آخرین زمانی که در نجف بودیم، دیدم در ایشان آن اضطراب به واسطه آشنائی با خانواده های نجفی تا اندازه ای پائین آمده است، فلهذا ایشان را با بعضی از مسافرین و زائرین ایرانی که بر ما وارد بودند، قبلًا به کربلا روانه ساختیم و سپس خود با

رفقا به راه افتادیم. در هر دو سفر، حقیر در معیت حضرت آیة اللَه حاج شیخ عبّاس قوچانی أفاضَ اللَه علینا مِن رَحَماتِه و برکاتِه بودم...»

کیفیت زیارت امام معصوم و مشاهد مشرفه

ایشان همچنین در کتاب «آیین رستگاری» کیفیت زیارت امام معصوم را چنین بیان می کنند: «آقایان طلبه! زیارت امام و مکّه باید پیاده و پا برهنه رفت، دیگر تاکسی سوار نشوند و پولِ زیاد هم خرج نکنند، این چند قدم را تا حرم به احترام حریم حضرت رضا علیه السّلام پیاده بروند و پیاده برگردند.

من که آمدم مشهد مقدّس اوّل که دنبال منزل گشتیم، گفتیم یک جایی باشد که بتوانیم هر روز پیاده حرم مشرّف بشویم و برگردیم؛ چون اصلاً نزدیک قبر حضرت بودن و به خصوص پیاده رفتن این خوب است! و الّا انسان برای زیارت سوار تاکسی بشود و برود و برگردد، اینکه خوب نیست!

برای زیارت امام انسان پیاده می‌رود، زیارت امام حسین علیه السّلام پیاده می‌رود. مکّه پیاده می‌رفتند، پابرهنه می‌رفتند! چون آنجا مشاهد مکرّمه است و مشاهد معظّمه است، و قبر امام از کعبه کمتر نیست؛ بلکه حقیقت کعبه است و روح کعبه است! انسان باید این جهات را رعایت کند.

ولی البتّه انسان که پیاده می‌رود نباید این‌طرف را نگاه کند، آن‌طرف را نگاه کند؛ طلّاب که حرکت می‌کنند سرشان را پایین بیاندازند؛ نه طوری پایین بیندازند که بگویند: فلان کس متکبّر است، حالا خودش را گرفته و دیگر هم اعتنا نکند؛ نه این هم درست نیست؛ اصلاً تصنّع درست نیست! سالک تصنّعی به‌درد نمی‌خورد.

سالک باید نفس عملش سلوک باشد

سالک باید نفس عملش سلوک باشد و آن‌قدر در دلش از آن مطالب و گمشده‌ها او را به خود مشغول کرده باشد که برای تفکّر و تصنّع و این‌طرف و آن‌طرف نگاه کردن و با این و آن مشغول شدن و سخن هرزه گفتن و داد و بی‌داد کردن و در مجلس صدا بلند کردن و امثال اینها مجال نداشته باشد.

اصلاً مؤمن باید وَقور باشد! وقتی که انسان را می‌بینند خود عمل انسان معرّف باشد.«**فی المَکارِهِ صَبورٌ**؛ در ناملایمات باید صابر باشی.» (الکافی، ج ۲، ص ۲۳۱)

هرچه سالک می‌تواند باید وقور باشد و صبور باشد! وقور یعنی آرام باشد، سبکش متین و پسندیده باشد.

صبور یعنی وارداتی که بر او می‌شود از جا در نرود؛ نه اینکه وقتی برایش یک غذای لذیذی می‌آورند، او صبر کند تا آن غذا را آماده کنند. در غذای لذیذ خوردن صبر معنا ندارد؛ معنایش این است که اگر غذای لذیذ به او نرسید صبر کند، ناملایم شد صبر کند، حرف زشتی از شخصی شنید صبر کند؛ از پدر و مادر و خواهر و دوستان یک حرف درستی نشنید، یک حرف غیر درستی شنید، او با بزرگی خودش و با سعهٔ صدرش بگذرد

و تحمّل کند.

سالک باید کارهایی را که برای دوستان خدا می‌کند به حساب نیاورد

نسبت به دوستان خدا ایثار کند، یعنی آنها را مقدّم بدارد، و این ایثار را هم به حساب نیاورد؛ حالا آن روز که در فلان عمل بود، این دفعه هم ما حقّ خودمان را به او دادیم و خواست سوار اتوبوس بشود ما او را زودتر از خودمان سوارکردیم. تمام کارهای خیری که برای دوستان می‌کند اصلاً به حساب نیاورد و باز هم خودش را مقصّر بداند؛ این پیشرفت می‌کند؛ یعنی طبق آن اعمالی که انجام می‌دهد خداوند که عالمُ السّرِّ و الخفیّات است، به او پاداش می‌دهد و جزا می‌دهد. پاداش و جزایش هم فوری است، همان‌وقت به او می‌دهد و طعم لذّت مناجات خدا را همان‌وقت می‌چشد.»